

گفت‌وگو با فرزانه طاهری درباره جایزه گلشیری– بخش اول

جایزه گلشیری؟ حتماً خیلی معتبر است

▲ **هلم خسروی**یکانه

پیش از هر چیز باید بگویم این گفت‌وگو در همان مرحله معرفی نامزدها شکل گرفت هر چند به دلایل مختلف طول کشید؛ دلایل مختلفی که خیلی هم قانع‌کننده‌اند اما حتی به آن اشاره هم نمی‌شود کرد؛ به هر حال حالا که این گفت‌وگو دارد چاپ می‌شود برندگان جایزه هم معرفی شدند؛ در یک مراسم خصوصی. جایزه گلشیری همیشه یکی از پرحاشیه‌ترین جوایز ادبی ایران بوده است.

— — —

خانم طاهری نامزدهای دور اول جایزه گلشیری معرفی شدند و اظهارنظرهای بسیاری درباره این نامزدها عنوان شده است. پیش از اینکه به ماهیت این نظرها و بعضاً انتقادها بپردازیم، فکر می‌کنید چرا جایزه گلشیری همیشه اینقدر با اما و اگر روبه‌رو است؟

در وهله اول باید به این نکته بدیهی اشاره کرد که هر انتخابی قطعاً و طبعاً اما و اگر دارد. همیشه هستند کسانی که به صورت جزئی یا کلی با یک مجموعه انتخاب مخالف باشند. این در مورد هر انتخابی و هر جایزهای صدق می‌کند. چه در مملکت خودمان و چه جاهای دیگر. در مورد جایزه گلشیری هم من البته اما و اگرهای واردشده بر آن را با جایزه‌های دیگر ایران مقایسه نکرده‌ام اما اگر به نظر شما بیشتر آماج این مخالفت‌ها قرار می‌گیرد، شاید باید با اعتماد به نفس تمام! عرض کنم که حتماً خیلی معتبر است یا انتظار از آن نزد خرده‌گیران منصف یا غیرمنصف بالاتر است یا خیلی چیزهای دیگر. گفت‌م خرده‌گیران و نه منتقدان چون اگر در پرسش‌هایتان دقیقاً به نقدها بپردازید، آن وقت می‌شود وارد بحث شد. البته بدیهی است که اگر بخواهم از منظر غیرمنصف‌ها بگویم، که عاقلانه‌تر آن است یا به مصلحت نزدیک‌تر، که بگذارم خودشان بگویند یا خودشان اصلاً گفته‌اند، لابد ایرادهای کارمان بیشتر از بقیه است که البته بدیهی است من این را نمی‌پذیرم.

خب پس بگذارید از **اول ماجرا** و **شروع کنیم. هیات انتخاب اولیه بر چه اساسی صورت گرفته یعنی ملاک‌تان برای انتخاب آدم‌ها برای دوری چه بود و آیا این ملاک‌ها در تمام دوره‌ها یکسان است یا بر اساس شرایط او دوره فرق می‌کند.**

اول یک مروری کنم بر نحوه تعیین نامزدها. در دوره اول از ابتدا تا انتها چهار داور داشتیم. در دوره دوم شش داور. در مرحله اول همه کتاب‌ها را خوانند و برآیند نظر آنها به معرفی نامزدها انجامید. چهار داور هم در مرحله نهایی برندگان را تعیین کردند. در دوره سوم شکل داورى باز تغییر کرد به این صورت که چهار گروه همه کتاب‌ها را خواندند و در ضمن فهرست کتاب‌هایی که در آن دوره بررسی می‌شد، برای ۶۰ نفر ارسال شد تا به هر کتابی که خوانده‌اند، امتیاز بدهند. علتش این بود که داورانی که مایل بودیم نتیجه نهایی را تعیین کنند وقت نداشتند تمامی کتاب‌های آن سال را بخوانند، پس تصمیم گرفتیم سرند اولیه را به این شکل انجام دهیم. در دوره چهارم هم تصمیم گرفتیم در مرحله اول سرند اولیه را با ارسال فرم ارزیابی برای تعداد زیادی از مخاطبان جدی ادبیات–اعم از نویسند و منتقد و خوانندگان جدی ادبیات– انجام دهیم.

۴۷ نفر فرم‌ها را پر کردند و به ما برگرداندند. در دوره پنجم از ۶۰ نفری که پذیرفته بودند با ما در مرحله ارزیابی همکاری کنند، ۳۵ نفر فرم‌ها را بازگرداندند– به دلایل گوناگون شخصی یا تعداد اندک کتاب‌هایی که خوانده بودند یا خلف وعده‌های معمول. ضمن اینکه در سیاست بنیاد این را هم قید کردیم که به خیلی‌ها دسترسی نداریم و از همه اهل قلم و کارشناسان ادبیات داستان که علاقه‌مند به شرکت در این نظرسنجی بودند، دعوت کرده بودیم امتیازهایی را که به آثار می‌دهند، برپایمان بفرستند. همان جا هم نام ارزیابان مرحله اول را که فهرست‌شان قطعی شده بود، منتشر کردیم تا اگر کسی خواست، کتابش را به دست‌شان برساند. مقصودمان هم این بود که کتاب‌هایی که خوب بخش نمی‌شوند یا در شهرستان منتشر شده‌اند، ناخوانده نمانند.

از این دوره هم خواستیم که در مرحله ارزیابی به آثار از یک تا ۹ نمره بدهند تا جمع‌تبعی ساده‌تر شود. بیشتر فقط می‌بایست از سه گزینه ضعیف/ متوسط/ عالی یکی را انتخاب می‌کردند. دوره ششم هم به همین ترتیب انجام گرفت با این تفاوت که ۲۸ ارزیاب فرم‌ها را پر کردند. این را هم بگویم که اگر ارزیابی حداقل پنج کتاب را نخوانده بود، ارایش به حساب نمی‌آمد و نامش هم در فهرست ارزیابان قید نمی‌شد. هنوز هم همین کار را می‌کنیم. یک نکته را هم تا یادم نرفته بگویم که از ارزیابان ضمناً خواسته می‌شد تک‌داستان‌های شاخص هر مجموعه داستان را هم در آن فهرست قید کنند تا در مجموعه نقش که هر سال درمی‌آمد، چاب کنیم. خب در دوره هفتم هم باز در مرحله نظرخواهی ۳۷ نفر به ما

پاسخ دادند و در دوره هشتم هم از ۴۷ نفری که با آنها تماس گرفتیم و موافقت‌شان را جلب کردیم آرای ۲۷ نفر واجد شرایط مندرج در آیین‌نامه جایزه بود که در دوره هفتم تهیه شده بود. وخیم‌تر شدن وضعیت انتشار ادبیات داستانی و میزان خوانده شدن این کتاب‌ها مساله‌ای بود که از دوره قبلیش مطرح کردیم و این وخامت سیر صعودی داشت. گاه در فرم‌هایی که به ما بازمی‌گردانند، فقط به یکی دو کتاب امتیاز داده بودند، با اینکه مهلت برگرداندن فرم‌ها را یک ماه هم تمدید کردیم. در دوره هشتم ضمناً داوران هم حاضر نشدند از میان نامزدها اثری را به عنوان برنده اعلام کنند؛ امری که سبب شد سیر صعودی داشت. گاه در فرم‌هایی که به ما بازمی‌گردانند، فقط به یکی دو کتاب امتیاز داده بودند، با اینکه مهلت برگرداندن فرم‌ها را یک ماه هم تمدید کردیم. در دوره هشتم ضمناً داوران هم حاضر نشدند از میان نامزدها اثری را به عنوان برنده اعلام کنند؛ امری که سبب شد

بنیاد به فکر دوسالانه کردن جایزه بیفتد و هر دوره از میان رمان‌ها یا مجموعه داستان‌های دو سال برنده را انتخاب کند. تفصیل و مقدمات این نتیجه‌گیری هم در سایت بنیاد آمده است. دوره نهم به مجموعه داستان‌های یک سال اختصاص داشت. تجربه ارزیابی دوره گذشته‌اش را هم بر آن داشت که تمامی کتاب‌ها را تهیه کنیم و در اختیار ۱۰ ارزیابی قرار دهیم که حاضر شدند تمامی کتاب‌ها را بخوانند و به آنها امتیاز دهند. در دوره جاری هم که رمان‌های دو سال بررسی شده‌اند علاوه بر اینکه آثار را تهیه کرده‌ایم و به تعدادی از ارزیابان داده‌ایم فهرست کتاب‌ها را هم برای تعداد دیگری هم فرستاده‌ایم تا این دایره گسترده‌تر شود. برخی از ارزیابان گروه دوم بودند که دست‌کم ۶۰ درصد آثار را خوانده بودند. برخی هم البته بودند که تعداد کتاب‌های امتیازگرفته‌شان به حد نصاب برای شرکت در جمع‌بندی نمی‌رسید. خب اینها در مورد جلب کنند و این را می‌دانم که برخی از کسانی هم که همکاری با ما را ادامه ندادند، احتمالاً عملکرد جایزهمان مطابق میل‌شان نبوده است. برخی هم بودند که ما عملکردشان را نمی‌پسندیدیم. ضمن اینکه همین جا بگویم بسیار استقبال می‌کنیم که دوستان، به خصوص آنها که بر فهرست ارزیابان خرده می‌گیرند در همان فضاهایی که حرف‌هایی کلی را در این زمینه مطرح می‌کنند– بگذاریم از اهانت‌ها و توطئه‌باوری‌ها که بعضاً بی‌نام است و قابل پاسخ‌گویی نیست– مشخصاً بگویند اگر خود بودند می‌توانستند موافقت که کسانی را برای خواندن تمامی آثار هر دوره جلب کنند و آن وقت می‌شود قضاوت کرد که تا چه حد وفای نسبی بر سر صلاحیت این نام‌ها وجود دارد. پس می‌بینیم در این چند دورای که جایزه به صورت دومرحله‌ای اجرا می‌شود در مرحله اول فهرستی از ارزیابان تهیه می‌کنیم، معمولاً ۵۰ یا ۶۰ نام. اگر به چند دوره قبل نگاه کنید می‌توانید نام‌ها را ببینید. طبعاً از اهل ادبیات هستند، چه منتقد، چه نویسنده و به طور کلی می‌توان گفت مخاطبان و خوانندگان حرفه‌ای ادبیات داستانی.

اگر فهرست ارزیابان‌مان را در دوره‌های متفاوت مقایسه کنید، در سایت‌مان که متأسفانه فعلاً از دسترس خارج است، نام‌های مشترکی می‌یابید و نام‌هایی که دیگر در فهرست نیستند و نیز نام‌های جدید که با شناختی که طی سال به دست می‌آید وارد فهرست ارزیابان‌مان می‌شوند. هر سال وقت تهیه فهرست ارزیابان به فهرست ارزیابان و داوران و نیز نامزدها و برندگان دوره‌های قبل نیز رجوع می‌کنیم یعنی همه را می‌بینیم و فهرست دوره جاری را تهیه می‌کنیم. یکی دو نفر از ارزیابان

نکته

اگر به نظر شما جایزه گلشیری بیشتر آماج این مخالفت‌ها قرار می‌گیرد، شاید باید با اعتماد به نفس تمام! عرض کنم که حتماً خیلی معتبر است یا انتظار از آن نزد خرده‌گیران منصف یا غیر منصف بالاتر است یا خیلی چیزهای دیگر. گفت‌م خرده‌گیران و نه منتقدان چون اگر در پرسش‌هایتان دقیقاً به نقدها بپردازید، آن وقت می‌شود وارد بحث شد. البته بدیهی است که اگر بخواهم از منظر غیرمنصف‌ها بگویم، که عاقلانه‌تر آن است یا به مصلحت نزدیک‌تر، که بگذارم خودشان بگویند یا خودشان اصلاً گفته‌اند، لابد ایرادهای کارمان بیشتر از بقیه است که البته بدیهی است من این را نمی‌پذیرم.

سال پنجم ■ شماره ۱۱۴۶ ■ سه‌شنبه ۷ دی ۱۳۸۹

ادبیات

شیمایره‌مند – اردوان ترکانه

نگاهی به دهمین دوره جایزه ادبی هوشنگ گلشیری

نگران نباش، احتمالاً برنده شده‌ام

یک دهه گذشت از تاسیس بنیادی که قرار بود و هست، نشانی از تداوم حضور هوشنگ گلشیری در عرصه ادبیات داستانی ما باشد.

در اولین روزهای سرد زمستان هشتاد و نه، دهمین جایزه ادبی گلشیری در میان جمعی از اهالی ادب و فرهنگ برندگان خود را اعلام کرد. از میان جوایز مستقل ادبی بیش از این جایزه روزی روزگاری برگزار شده بود. اما جایزه نویسندگان و منتقدان مطبوعات که هر سال همین روزها جوایزش را اعلام می‌کرد، به دلیل غیاب دبیرش، احمد غلامی، هنوز برندگانش را اعلام نکرده است. در جایزه گلشیری اما، داوران امسال «نگران نباش» نوشته مهسا محبعلی را در بخش رمان و «احتمالاً گم شده‌ام» سارا سالار را در بخش رمان اول از میان رمان‌های دو سال اخیر انتخاب کردند. داوران این دوره عبدالله کوثری، محمود فلکی و هلن اولیایی‌نیا (بخش رمان) و گلسی ترقی، کامران بزرگنیا و علی خدایی (بخش رمان اول) در لوح تقدیر این برندگان از دلایل انتخاب‌شان نوشتند: داوران «نگران نباش» را به دلیل خلق زبانی فشرده، درخور کنش داستانی و شخصیت‌ها و راوی با استفاده بجا از اصطلاحات زبان مخفی بخشی از سسل جدید و استفاده هوشمندانه از زلزله برای عیان کردن ناسامانی‌های فردی و اجتماعی، برنده عنوان رمان دوسالانه شناختند و «احتمالاً گم شده‌ام» را نیز به دلیل توفیق در خلق حضور قاهر شهر تهران با استفاده از عناصر شهری و غیبت سنگین حضور نویسنده بر روایت، برنده عنوان رمان اول دوسالانه شناخته است. پس به زعم این جایزه – که یکی از سه جایزه مستقل/ خصوصی ادبیات ماست– دو کتاب فوق برآیند ادبیات داستانی ایران در دو سال اخیر بوده است. در هر صورت جوایز ادبی مستقل، حامل خصلتی بازتابی‌اند. آنها خارج از گفتار فرادست ادبی (جوایز رسمی) بازتاب‌دهنده حقیقت «وضعیت ادبی» هستند؛ آینه‌ای که اوضاع و احوال ادبیات را در یک محدوده نشان می‌دهد. پس جایزه گلشیری نیز از این قاعده مستثنی نیست. اما به طور قطع این تمام ماجرا نخواهد بود، چرا که نکته اصلی بدون شک همان «مازاد» جوایز ادبی است. آنجایی که از منلق غالب خود در مقام یک نهاد، بنیاد یا سازوکاری صرف فراتر می‌روند و به شکلی در وضعیت مداخله می‌کنند، خط و سیر جریان‌های ادبی معاصر را شکل می‌دهند یا آنها را برهم می‌زنند و حامل خصلتی اساساً اضطرابی می‌شوند. چرا که جوایز مستقل ادبی در وضعیت‌های انضمامی پیشاپیش در کنار «ادبیات اقلیت» به معنای گسترده‌دانش قرار می‌گیرد؛ جوایزی که همچون تمام نمونه‌های فراوانی که در قرن بیستم شاهد بوده‌ایم، می‌توانند میانه‌جای باشند برای بیان جریان‌ها و جنبش‌های ادبی و هنری. هوشنگ گلشیری جایی نوشته است که ادبیات معاصر ما– هر چه باشد– نگاه ما را به جهان شکل داده است، پس بر آنچه بر ما رفته است یا می‌رود نویسندگان، شاعران، نمایشنامه‌نویسان و حتی مترجمان ادبی مسوولند. حال اگر همراه داوران دهمین دوره جایزه گلشیری این دو رمان را نماینده ادبیات معاصرمان در دو سال اخیر بدانیم، ادبیاتی که به گفته گلشیری شکل‌دهنده نگاه ما به جهان پیرامون ماست، مساله این است که این‌گونه ادبیات بازتاب‌دهنده چه نگاهی است. راوی زن «احتمالاً گم شده‌ام» زنی سرگشته در درون خویش است که یک روز روزمرگی خود را در شهر تهران روایت می‌کند؛ زنی که گویی در میان چارچوب‌هایی گیر کرده است و حتی تهران و بزرگراه‌هایش را سقفی نامرئی می‌بیند، و «نگران نباش» نیز به واسطه زلزله، ویرانی نسلی را به تصویر می‌کشد که فاقد آرمان و متغّل است. حال این دو رمان با بازنمایی زندگی روزمره شکل‌دهنده چگونه نگاهی به جهان پیرامون ماست؟

اما در مراسم امسال فرزانه طاهری ابتدا به رسم هر سال از روند دهمین جایزه گفت و بر این ده سال مروری کرد: «در این ده سال مدام فلاح کرده‌ایم که راه‌های بهتری برای برگزاری این جایزه پیدا کنیم. شیوه را چند باری تغییر داده‌ایم. مثلاً از یک دوره‌ای شروع کردیم به فرستان فرم‌هایی برای اهل ادبیات تا به کتاب‌هایی که در سال می‌خوانند، طسالی امتیاز بدهند و ما با این فرم‌ها نامزدها را معلوم کنیم. بعد در دوره‌ای دیدیم جامعه کتابخوان انگار دل و دماغ ندارد. آدم‌ها کتاب نمی‌خوانند. در دوره هشتم هم که داوران‌مان برنده‌ای اعلام نکردند و بنیاد را به فکر انداختند که شاید به دلیل برخی سختگیری در دادن مجوز، بهتر است به لحاظ کیفی و کمی یک سال رمان‌ها و سال بعد مجموعه داستان‌ها را بررسی کنیم که البته انتقادهایی را برانگیخت. و این است که ما در حد توان‌مان تلاش کردیم و روش‌های گوناگون را آزمایش کردیم و این را نه نشانه ضعف بنیاد که نشانه قوتش می‌دانیم. لاقال نشانه نیت برگزار کنندگان برای بهتر و موثق‌تر شدن آن.» فرزانه طاهری از مشکلات تعیین و انتخاب داوران هم گفت؛ اینکه بسیاری به دلایل مختلف مثلاً اینکه به دوری اثر ادبی اعتقادی ندارند یا حوصله دردرس نداشتند. و گفت: «سعی کردیم از صحنه روز عقب نمانیم و چه‌ره‌های جدید را هم شناسایی کنیم و البته با داورانی کار کنیم که شایستگی دارند.» او از غیاب احمد غلامی نویسنده و دبیر جایزه ادبی نویسندگان و منتقدان هم گفت: «دوره گذشته درویشیان از رضا خندان گفت که در میان ما نبود و امروز هست و سال گذشته کسی در میان ما بود و امسال نیست؛ احمد غلامی



که امیدواریم به زودی در چنین مراسمی حضور یابد.» نسترن موسوی هم از طرف کمیته جایزه گزارشی از روند انتخاب برندگان خواند؛ از نحوه امتیاز دادن داوران از صفر تا ۹. اعلام نامزدها، اشاره به محدودیت‌ها، نداشتن تمرکز و دفتر و دستک و از اشتباهات سهوی بنیاد که آنها را در نظر دیگریان مغرض جلوه داده علر خواست. در این مراسم از علی‌اشرف درویشیان نویسنده پیشکسوت نیز قدردانی شد. حسن کیانیان مدیر نشر چشمه و از دوستان و همکاران قدیمی او علاوه بر ارزش‌های ادبی و داستان‌نویسی درویشیان از شخصیت و انسانیت او سخن گفت. رضا خندان می‌پایه‌ای هم که سابقه همکاری با درویشیان در تدوین چند کتاب را دارد، از تعهد درویشیان گفت. اینکه او آزاداندیش، نق‌پذیر و عاطفی است و قدرشناسی‌اش به او حد و مرزی ندارد. و درویشیان را برای دو کلمه «انسان هنرمند» بودن او شایسته چنین تقدیری می‌داند. درویشیان نیز با اشاره به نقش هوشنگ گلشیری در ادبیات گفت: «هرگز فکر نکردم که هوشنگ گلشیری در میان ما نیست. همواره و تا همیشه او را در تمام جلسات در میان خودمان می‌دانم و همیشه حضورش را احساس می‌کنم.» و دیگر مجموعه دوت‌آبادی تندیس و جایزه مهسا محبعلی را اهدا کرد و سارا سالار هم جایزه‌اش را از بابک احمدی دریافت کرد. او نفس وجود جوایز ادبی مستقل را مایه ایجاد نشاط در فضای راکد ادبیات دانست.

در شرایط حاضر فارغ از تمام انتقادات و تحسین‌هایی که متوجه این جایزه ادبی است، باید تاکید کرد ماجرا نه اعتراض به برنده نشدن یک یا چند رمان (محتوا) و نه حتی قند کلیت جایزه (شکل) است بلکه عکس این شکل (محتوا) جایزه ادبی گلشیری) که به عنوان عصاره اخلاص برانگیز در وضعیت نامدین و دست گذاشتن بر تناقض‌ها و شکاف‌های آن است و بنیاد گلشیری شاید بهتر است با نگاهی دوباره به اهدافی که خود برپرمزده است، اهدای جایزه سالانه به آثار برتر ادبیات داستانی و نقد ادبی و تشکیل کارگاه‌های داستان‌نویسی، جلسات داستان‌خوانی و نقد و بررسی و غیره، و به خاطر جایگاه (Position) پرتنشی که در وضعیت ما دارد، بتواند نوعی فرم‌های آزاد ادبی خلق کند. فرم‌ها را زنده و دست‌نکار نوعی سیاست مرئی‌سازی باشد؛ مرئی کردن تمام آنچه نامرئی شده است.

کتابی در فهرست از قلم افتاده بود. هر تغییری در فهرست را به اطلاع ارزیابان رساندیم. اگر گفتند فلان کتاب را در فهرست نیآورده‌اید، رفته‌ایم و خریدهایم یا ناشر به رایگان در اختیارمان گذاشته و به ارزیابان گروه دوم هم خبر داده‌ایم که اگر خوانده‌اند به آن امتیاز بدهند. پس اگر هم کتابی حتی در فهرست ارزیابان نبوده هر کس که خوانده بوده به ما خبر داده است و ما هم به بقیه. یعنی اگر هم به فرض محال بنیاد قصد حذف کتابی را داشته ارزیابان نگذاشته‌اند (خواهش هم می‌کنم به فرض محالش دقت کنید، فردا علیه‌مان به کار نرود). امسال تا جایی که خبر دارم دو مورد بوده که بنیاد از قلم انداخته و ارزیابان هم هیچ‌کدام

پس آن را نخوانده بوده‌اند یا به دلیل دوسالانه شدن جایزه فراموشش کرده‌اند (که شاید یکی از اشکالات این دوسالانه شدن همین باشد). یکی از آنها محاق سهیلا بسکی است که دو داستان بلند است در یک کتاب، البته از لحاظ شکلی مشکلی با این کتاب وجود دارد و آن این است که هرچند ما داستان بلند و رمان و مجموعه داستان‌های به‌هم پیوسته را در یک مقوله می‌گذاریم– دقیقاً مثالی که می‌توان زد همین بحث بر سر شازده احتجاب است که برخی آن را داستان بلند می‌دانند نه رمان و همین در همان ابتدای کار ما را بر آن داشت داستان بلند را هم در کنار رمان قرار دهیم– اما اگر یک داستان بلند کتابی با دو داستان بلند ضعیف باشد و یکی مثلاً قوی، می‌شود به نیمی از یک کتاب جایزه داد، یا باید در مقوله مجموعه داستان قرارش داد، یا داوران خواست که در مورد این کتاب به هر نمونه‌هایی که در فهرست اشتباهی را به ما گوشزد کنند. اگر محاق از قلم افتاد و هیچ ارزیابی هم متوجه این مساله نشد. مقصودم این است که بعد از اینکه نویسنده‌اش این اشتباه ما را مطرح کرد– هرچند بر اساس آنچه نوشته است انگیزه‌هایی برای آن پیش خود تصور کرده است– به فکر این مساله نشویم. اما این را هم بگویم که امسال کتاب شمایل تاریک کاخ‌های سناپور هم همین وضعیت را داشت و در فهرست ارزیابی رمان این دوره قرار گرفت و به آن امتیاز دادند، اما می‌دانم که در جایزه دیگری در فهرست مجموعه داستان قرارش داده‌ایم. چون امسال اولین سالی است که با چنین مساله‌ای روبه‌رو شده‌ایم باید جدول بود، بدون سال انتشار و بنده که هنوز در این عرصه‌ها جاهلم نمی‌توانستم آنها را از جدول درآورم و فرمت‌شان را به فرمت سایت تبدیل کنم. نشستم بعد از خبر نامزدها، همه صد و اندی رمان را با نام نویسنده و ناشر و سال نشر تایپ کردم. کار تا روز بعد ادامه یافت. (نگویند حالا که یعنی شب خوابیدم و صبح کار را ادامه دادم، آنها دقیقاً به این دلیل که ممکن بود بر اثر خستگی اشتباه کنیم) و به گمانم دو کتاب از قلم افتاد که اتفاقاً درست پشت هم در فهرست ارزیابان آمده بود، شاید هم بیشتر و من هنوز بی‌خبرم. نام ناشر یکی از نامزدها هم اشتباه بود. به هر حال برای همیشه اعلام می‌کنم فهرست کتاب‌هایی که برای ارزیابی فرستاده‌ایم اشتباهاتی داشته است و این اشتباهات را دوستان گوشزد کردند و ما طی فرایند ارزیابی آنها را رفع کردیم. مثلاً مجموعه داستانی جزء رمان‌ها آمده بود. کتابی چاپ اولش نبود. نام ناشر کتابی اشتباه شده بود.

تفکیک رمان و مجموعه داستان و چه در تفکیک چاپ‌ها و چه در سال انتشار. بارها دیده‌ام که اطلاعات آن اشتباه بوده است. بنابراین هرگز نتوانستیم به آن بسنده کنیم. یکی از کارهایی که خیلی از دوره‌ها کرده‌ایم و شاید ناشرانی به یاد داشته باشند، این بوده که در نمایشگاه کتاب فهرست را کامل کرده‌ایم. شاید خود مرا هم به یاد داشته باشند که رفته‌ام و کتاب‌ها را ورق زده‌ام تا اطلاعات دقیق را یادداشت کنم، یا کاتالوگ‌هایشان را از آنها گرفته‌ام. اگر هم بنا به تهیه کتاب‌ها بوده از آنها شفاهاً خواسته‌ام یا نامه‌ای خطاب به آنها نوشته‌ام که در صورت تمایل پنج نسخه از کتاب‌شان را بدهند. نمایشگاه به ویژه از لحاظ ناشران شهرستانی برایمان مهم بوده است. نکته مهم دیگر اینکه خیلی از کتاب‌ها که در شناسنامه‌شان سال انتشارشان سال گذشته قید شده در نمایشگاه عرضه می‌شوند و نمی‌خواهیم از قلم بیفتند. در مواردی هم در طول سال با دفتر بسیاری از ناشران تماس گرفته‌ایم. گاه اطلاعات خود آنها اشتباه بوده و کتابی را که در نشر دیگری پیشتر چاپ شده به عنوان چاپ اول به ما معرفی کرده‌اند یا یادشان رفته کتابی را که منتشر کرده‌اند به ما بدهند یا حتی نامش را بگویند. ناشرانی هم هستند که به دلیل عناد با بنیاد گلشیری و اصلاً نام گلشیری حاضر نیستند کوچک‌ترین همکاری‌ای با ما بکنند. می‌خواهم بگویم تمام تلاش‌مان را می‌کنیم که این فهرست درست تهیه شود. اما بی‌شک همواره اشتباهاتی به آن راه می‌یابد. بنیاد نه کارمند موظف دارد و نه دفتر و دستکی. برای همین در نام‌هایی از ارزیابان می‌خواهم هر اشتباهی را به ما گوشزد کنند. اگر کتابی بوده که در فهرست نیامده، اگر کتابی به اشتباه آمده، یا اطلاعات کتاب‌شناسی‌اش اشتباه است به ما بگویند. در دوره‌های پیشین فهرست را خیلی زودتر در سایت می‌گذاشتیم و اصلاحات را به تدریج وارد سایت هم می‌کردیم. می‌توانید نمونه‌هایی را در دوره‌های قبل ببینید. امسال چون تجربه دوسالانه شدن جایزه را نداشتیم و فهرست را زودتر در سایت نگذاشته بودیم، این فهرست را خود من در همان دیروقت شب در پایان جلسه طولانی جمع‌بندی امتیازها و تعیین نامزدها تایپ کردم تا همراه با خبر نامزدها روی سایت بیرون. فایل فهرست ارزیابی به صورت جدول بود، بدون سال انتشار و بنده که هنوز در این عرصه‌ها جاهلم نمی‌توانستم آنها را از جدول درآورم و فرمت‌شان را به فرمت سایت تبدیل کنم.

نشستم بعد از خبر نامزدها، همه صد و اندی رمان را با نام نویسنده و ناشر و سال نشر تایپ کردم. کار تا روز بعد ادامه یافت. (نگویند حالا که یعنی شب خوابیدم و صبح کار را ادامه دادم، آنها دقیقاً به این دلیل که ممکن بود بر اثر خستگی اشتباه کنیم) و به گمانم دو کتاب از قلم افتاد که اتفاقاً درست پشت هم در فهرست ارزیابان آمده بود، شاید هم بیشتر و من هنوز بی‌خبرم. نام ناشر یکی از نامزدها هم اشتباه بود. به هر حال برای همیشه اعلام می‌کنم فهرست کتاب‌هایی که برای ارزیابی فرستاده‌ایم اشتباهاتی داشته است و این اشتباهات را دوستان گوشزد کردند و ما طی فرایند ارزیابی آنها را رفع کردیم. مثلاً مجموعه داستانی جزء رمان‌ها آمده بود. کتابی چاپ اولش نبود. نام ناشر کتابی اشتباه شده بود.